



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

## بررسی موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق از دیدگاه مدیران ابتدایی شهرستان گلپایگان در پنج سال اخیر

شقایق نیک نشان<sup>۱</sup>، مریم نوری<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*Sh ۲ nikneshan@gmail.com*

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

تفکر انتقادی و خلاق به عنوان یک هدف آموزشی ارزشمند هیچگاه در خلأ حاصل نمی شود، بلکه حصول و بروز آن در ساحت های مختلف، مستلزم پیش بینی مجموعه ای از بسترها و شرایط اولیه است رشد تفکر انتقادی و خلاق یادگیرندگان، اصولاً بسترهای لازم را برای رشد و پیشرفت جوامع انسانی در ابعاد گوناگون فراهم کرده و در عین حال زمینه پویایی و نوآوری نهادهای آموزشی و همراهی برنامه های درسی آنها را با تغییرات و تحولات شتابان زمانه ایجاد می کند. هدف از انجام پژوهش بررسی موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق از دیدگاه مدیران ابتدایی شهرستان گلپایگان در پنج سال اخیر می باشد. این تحقیق از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مدیران مدارس ابتدایی شهرستان گلپایگان می باشد نمونه گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن داده ها به حد اشباع ادامه یافت و منجر به انتخاب ۱۱ نفر از مدیران دوره ابتدایی شهرستان گلپایگان شد. برای حصول اطلاعات مورد نیاز از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. زمان هر مصاحبه ۹۰ دقیقه به طول انجامید. تحلیل داده ها از طریق کد گذاری و مقوله بندی و از روش تحلیل تفسیر انجام شد. نتایج نشان داد که کتب درسی، معلمان، امکانات مدرسه، زمان، مشکلات ساختاری، روش های ارزشیابی، فضای آموزشی و خانواده بیشترین نقش را در موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق دانش آموزان داشتند.

کلمات کلیدی: موانع رشد، تفکر انتقادی و خلاق، مدیران مقطع ابتدایی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

مهمترین عامل در رشد و پیشرفت بشر در تمام زمینه ها رشد تفکر انتقادی و خلاق است (سوح<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). تفکر انتقادی و خلاق نقش حیاتی در بهبود و تکامل زندگی انسانها دارد، به همین دلیل رشد تفکر انتقادی و خلاق، عامل مهمی در بقای جوامع در محیط پر رقابت کنونی و مملو از مسائل و مشکلات است؛ به طوری که امروزه خلاقیت و نوآوری و ایجاد تغییر و دگرگونی مثبت در دانش آموزان، امری مهم و ضروری به نظر می رسد (پنگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) باید پذیرفت که تفکر انتقادی و خلاق در حیات فردی و اجتماعی بشر نقشی تعیین کننده داشته و به عنوان پدیده ای نظام گرا یا سیستمی متشکل از ابعاد سه گانه چگونگی، چیستی و چرایی است (صادقی مال امیری، ۱۳۹۴). به علاوه، تردیدی وجود ندارد که رشد تفکر انتقادی و خلاق، در رشد و توسعه علم بسیار مهم بوده و از جمله مهارت هایی است که برای حل مساله و مواجهه با مسائل زندگی روزمره، بسیار لازم و ضروری است (امینی، رحیمی و منتظر، ۱۳۹۷).

از نظر پژوهشگران مذکور، اگر زمینه و محیط مناسبی فراهم شود، می تواند تفکر انتقادی و خلاق فراگیران شکوفا شود و در غیر این صورت امکان و مجالی برای رشد این قابلیت مهم وجود نخواهد داشت. در واقع، از طریق رشد و پرورش خلاقیت، بخش قابل توجهی از ظرفیتهای و استعدادهای درونی دانش آموزان به منصف ظهور و بروز رسیده و زمینه ای فراهم می شود تا آنان در آینده های نزدیک به عنوان شهروندانی خلاق و نقاد به ایفای مسئولیت های مختلف خود در حوزه های مختلف بپردازند. فرهنگ توصیفی انجمن روانشناسی آمریکا تفکر انتقادی و خلاق را به عنوان توانایی تولید یا تدوین آثار، نظریه، فنون و یا افکار اصیل تعریف کرده است. به علاوه، فرد خلاق معمولاً اصالت، قوه تخیل و قدرت بیان از خود بروز می دهد و مجموعاً به نظر می رسد که خلاقیت یک صفت پایدار است (شرکائی، ۱۴۰۰).

توجه به پرورش تفکر انتقادی و خلاق باعث بهبود قضاوت و تحلیل و تفسیر افراد می شود (مسعودیان و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از اهداف مهم نظام تعلیم و تربیت که در طول چند سال اخیر به اهمیت آن پی برده شده است، پرورش مهارت تفکر انتقادی و خلاق است. توسعه و رشد مهارت رشد تفکر انتقادی و خلاق در سال های اولیه زندگی به خصوص دوران تحصیلی ابتدایی باعث پرورده شدن افراد توانمند و مستعد در بزرگسالی می شود. این افراد می توانند زندگی خود را با تصمیم گیری های درست و روش تفکر صحیح به خوبی سامان دهند. تفکر انتقادی و خلاق باعث می شود که این افراد در زندگی قضاوت های صحیح داشته باشند و مشکلات و مسائل مربوط به خود را به درستی حل کنند (مصری، اسلامی و آفانی، ۱۳۹۸). اما تفکر انتقادی و خلاق همانند دیگر موضوعات روانشناختی برای به وقوع پیوستن و اجرا در سطح جامعه یک سری محدودیت ها و موانعی دارد. هنگامی که وضع موجود سازمان ها و نهادهای رسمی آموزش و پرورش را بررسی می کنیم، متوجه می شویم که یکسری بازدارنده ها و موانعی بر سر راه توسعه رشد تفکر انتقادی و خلاق وجود دارند. لذا باتوجه به آنچه بیان شد پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق از دیدگاه مدیران ابتدایی شهرستان گلپایگان در پنج سال اخیر است.

## بیان مسأله

در عصر حاضر که مداوم در حال تغییر و تحول است، توانایی در تفکر، لازمه زندگی موفق و رو به کمال است (مهردوی، احمدی و نراقی زاده، ۱۳۹۷). در جهانی که انسان همواره مورد هجوم چالش ها و مسائل است، شناسایی مسیر درست از غلط و کشف اطلاعات درست از نادرست، دشوار است. هنگامی که اهداف آموزشی به وسیله صاحب نظران و دست اندرکاران آموزش و پرورش

۱- Soh

۲- Peng



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تدوین می‌شود قطعاً یکی از موارد مهم برای آنان تفکر است. یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین نوع تفکر که همیشه مورد توجه بوده، تفکر انتقادی و خلاق است و این ادعا که بسیاری از اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت آن را هدف اصلی نظام آموزشی دانسته‌اند، کاملاً بدیهی است (شریفی، سیف‌نراقی، نادری و احقر، ۱۳۹۷).

به گفته میلر (۲۰۰۳) فرد سعی می‌کند که در زمینه و طرح تازه، تجربیات پیشین خود را تغییر شکل داده و دوباره سازمان دهد. سپس از آنها برای حل مسائل استفاده کند. این فرایند تفکر خلاق است. مدارس باید سعی کنند که تمام تمرکز خود را بر روی روش‌های تفکر صحیح و فلسفه‌ورزی معطوف کنند. آموختن روش‌های صحیح تفکر به دانش‌آموزان باعث می‌شود که دانش‌آموزان احساس خوبی نسبت به زندگی داشته باشند و همچنین شناخت و نگرش‌های آنان را بهتر می‌کند (مرادویسی، ۱۴۰۰).

جونز (۲۰۱۷) تفکر انتقادی و خلاق را به عنوان روشی از تفکر در موضوعات و انواع محتوا بیان کرده است که فرد به کمک تحلیل و ارزیابی و نوسازی، فرآیند اندیشیدن خود را بهتر می‌کند (قنبریان‌قلندر و همکاران، ۱۳۹۹).

تفکر انتقادی و خلاق مثالی از تفکر در سطح جامعه است که علاوه بر بازگو کردن جنبه‌های فردی تفکر می‌تواند ما را به سمت جنبه‌های اجتماعی اندیشه و ویژگی‌های فرهنگی آن مانند انتقاد به مثابه ارزشی اجتماعی یا تفکر انتقادی در سطحی از شیوه‌های روابط بین‌فردی راهنمایی کند (میرسندسی، ۱۳۹۸). به گفته قیاسی و همکاران (۲۰۱۲) در همه نظام‌های آموزشی تفکر انتقادی و خلاق از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران آموزش و پرورش، پیشرفت انسان در جنبه‌های مختلف علمی به سبب توسعه تفکر انتقادی و خلاق است. به همین خاطر آنها همیشه بر این عقیده بوده‌اند که هدف اصلی تعلیم و تربیت همان پرورش تفکر انتقادی و خلاق است (مصری، اسلامی و آفانی، ۱۳۹۸). چنین هدفی در نظام‌های آموزشی باعث می‌شود که دانش‌آموزان به عنوان شهروندانی آگاه و انتقادی برای فعالیت در جامعه آماده بشوند. آرمانی که دنبال می‌شود این است که دانش‌آموزان مدرسه را بر طبق نقدهای خود خلاقانه بهبود ببخشند، به گونه‌ای که در مدارس فضاهایی آزاد ایجاد شود تا نسل حاضر بتوانند مسئولیت‌های اخلاقی، سیاسی، مدنی و اقتصادی خود را بشناسند و با آگاهی از آنها فعالیت کنند (مصری و همکاران، ۱۳۹۸).

متأسفانه آموزش موجود در نظام آموزشی کشور یادگیرندگان را به تفکر بدون ایده عادت داده و همین باعث شده آنها نگرش لازم برای تن دادن به خطر را که مستلزم تفکر انتقادی و خلاق می‌باشد به دست نیاورد (مجیدیان فرد، محمدی مهر و نجیمی، ۱۳۹۷). در نظام آموزشی، به غیر از باسواد کردن افراد به مفهوم انتقال دانش، آن هم به صورت ناقص، کار جدی دیگری صورت نمی‌گیرد، و چنان آموزش و پرورش جدید که همان مدرسه رفتن، نمره گرفتن، مدرک گرفتن و ... می‌باشد مشغول شده که از آفات آن بی‌خبر مانده است. برخی از فعالان آموزش و پرورش کشور ما، عقیده دارند که شیوه‌های کنونی نظام آموزشی نه تنها به رشد و پرورش تفکر انتقادی و خلاق در کودکان و نوجوانان کمک نمی‌کند، بلکه باعث رکود فکری و به اصطلاح «کشتن خلاقیت» در نسلی می‌شود که قرار است آینده کشور را در دست بگیرد (شرکائی، ۱۴۰۰).

با توجه به بررسی پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش می‌توان اینگونه برداشت کرد که هنوز پژوهشی جامع در رابطه با موانع و مشکلات تفکر انتقادی و خلاق در مسیر اجرایی شدن و کاربست این مهارت در میان معلمان، مدیران و دانش‌آموزان انجام نشده است و انجام پژوهشی که به هدف بررسی این موانع و محدودیت‌هایی که باعث عدم تحقق تفکر انتقادی و خلاق در حوزه نظام آموزشی می‌شود، احساس شده است. برای این منظور پژوهش حاضر با هدف واکاوی موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق از دیدگاه



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مدیران ابتدایی شهرستان گلپایگان در پنج سال اخیر تحقق انجام خواهد شد و پرسش اصلی این پژوهش که درصدد رسیدن به پاسخ آن خواهیم بود این است که موانع و محدودیت‌های رشد تفکر انتقادی و خلاق از دیدگاه مدیران ابتدایی در پنج سال اخیر کدامند؟

## روش پژوهش

از آنجا که هدف از این تحقیق توصیف شرایط و پدیده‌های موردبررسی، به منظور شناخت بیشتر در شرایط موجود و کمک به تصمیم‌گیری است، لذا این تحقیق را بر اساس چگونگی بدست آوردن داده‌های موردنظر می‌توان در زمره تحقیقات توصیفی به شمار آورد و از طرفی چون این تحقیق بر اساس اطلاعات و داده‌های پیمایشی درصدد شناسایی موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق در دانش آموزان مدارس ابتدایی از دیدگاه مدیران ابتدایی شهرستان گلپایگان و از نوع پیمایشی است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن داده‌ها به حد اشباع ادامه یافت و منجر به انتخاب ۱۱ نفر از مدیران دوره ابتدایی شهرستان گلپایگان شد. برای حصول اطلاعات موردنیاز از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. زمان هر مصاحبه ۹۰ دقیقه به طول انجامید. با فهرست کردن پیش‌فرض‌های محققین که حاصل تجربه و مطالعه بود، قبل از جمع‌آوری داده‌ها و نیز در جریان کار از تأثیر آنها بر نتیجه پژوهش جلوگیری به عمل آمد. به‌منظور حفظ صحت و استحکام داده‌ها در این پژوهش، سؤالات تحقیق در جهت کاهش یا حذف احتمال ارائه اطلاعات نادرست از سوی متخصصین تعلیم و تربیت به شیوه‌های مختلف از شرکت‌کنندگان پرسیده شد. به این ترتیب ثبات پاسخ‌ها مشخص گردید.

تحلیل داده‌ها از طریق کد گذاری و مقوله بندی و از روش تحلیل تفسیر انجام شد. تحلیل تفسیری، فرایندی برای بررسی دقیق داده‌های پژوهش کیفی است که هدف اصلی آن یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و نمونه الگوهایی است که برای توصیف و تبیین پدیده در حال پژوهش به کار می‌رود، نخستین گام در تحلیل تفسیری، تلفیق همه داده‌های در حال پژوهش و تشکیل یک پایگاه اطلاعاتی است و پس از آن، تدوین مقوله، طبقه یا حیطه‌هایی است که اطلاعات را به گونه مناسبی در برگیرند و در عین حال، آنها را خلاصه کنند پژوهشگر پس از انتخاب یا ایجاد یک نظام مقوله بندی به بررسی هریک از بخش‌ها می‌پردازد تا آشکار شود: آیا پدیده توصیف شده در آن، در یکی از مقوله‌های نظام مقوله بندی قرار می‌گیرد یا خیر؟ محقق پس از مقایسه مداوم و رسیدن به اشباع نظری، به کشف مضمون‌ها می‌پردازد، داده‌ها و اطلاعات حاصله حاکی از آن است که مهمترین مشکلات و موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق از دیدگاه مدیران شهرستان گلپایگان به ترتیب اهمیت یا اولویت به قرار زیر می‌توان دسته بندی کرد که در ادامه شرح داده است.

## یافته های پژوهش

در این قسمت دیدگاه مدیران مقطع ابتدایی حاصل سال‌ها فعالیت عملی و تلاش و تدریس با انگیزه در حوزه تربیت و آموزش کودکان بوده اند ارائه می‌گردد، یافته‌های حاصل از مصاحبه دیدگاه مدیران شامل مهمترین موانع رشد تفکر انتقادی و خلاق به شرح زیر قابل ارائه است که در ادامه مطرح و برای هر کدام مصداق‌هایی ارائه خواهد شد:

(۱) کتب درسی: اولین مانعی که پاسخ دهندگان در ارتباط با مشکلات موجود در رشد و پرورش تفکر انتقادی و خلاق به آن اشاره کرده‌اند، مشکلات مرتبط به کتاب‌های درسی دانش‌آموزان است. از نظر مدیران، حجم زیاد کتب درسی و سنگینی مطالب آن به ویژه با توجه به تعطیلی پنج شنبه‌ها، نظری بودن و حافظه پروری بیش از حد آنها، تغییرات دایمی محتوای کتب درسی که خود باعث عدم آمادگی کافی معلمان برای تدریس آنها می‌شود، فقدان ابزار آموزشی دیگر و تأکید افراطی بار مطالب کتاب (کتاب محوری)، عدم انعطاف و تأکید بر چهارچوب دقیق تدریس و فشار بر



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلمان جهت اتمام مطالب کتاب درسی، ناهماهنگی تمرینات کتاب با محتوای آنها، نبود ارزشیابی صحیح از محتوا و مطالب و تأثیر آن بر رشد تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان مهمترین و اصلی‌ترین محدودیت‌های کتب درسی هستند که خود باعث می‌شود که توجه چندانی به مقوله رشد تفکر انتقادی و خلاق صورت نگیرد.

(۲) معلمان: در ذیل این مانع، محدودیت‌های مختلفی که نشانگر نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه‌های آموزشی و درسی و دریک کلمه رشد تفکر انتقادی و خلاق است، توسط پاسخ دهندگان ذکر شده است. در این راستا، عدم خلاقیت در ارائه درس، روش‌های تدریس نامناسب معلمان و استفاده افراطی از شیوه‌های معلم محور و مبتنی بر سخنرانی و ارائه یک طرفه اطلاعات به دانش‌آموزان و اجبار آنها به حفظ کردن مطالب و عدم مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس و پاسخ صریح به سوالات آنها و... دارای بیشترین فراوانی و تأکید از جانب پاسخ دهندگان بوده است. علاوه بر روش‌های تدریس نامناسب سایر محدودیت‌های مرتبط با معلمان شامل مواردی همچون روز آماد نبودن آنها و کمبود تجربه و اطلاعات علمی و مهارت‌های آموزشی معلمان در زمینه رشد تفکر انتقادی و خلاق، عدم شناخت معلمان از تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و تأثیر آن در رشد تفکر انتقادی و خلاق، عدم انگیزه شغلی بدلیل پایین بودن حقوق و مزایای دریافتی، فقدان آزادی عمل معلم در تدریس، انتظارات بیش از حد از معلمان، عدم ارتباط عاطفی معلمان با دانش‌آموزان است که در عمل باعث می‌شود که مجریان برنامه‌های درسی توجه چندانی به رشد تفکر انتقادی و خلاق در کلاس‌های درس خود نداشته باشند.

(۳) امکانات و تجهیزات مدارس: بدون تردید، مهم‌ترین محدودیت، فقدان و بعضاً کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی و عدم تجهیز مدارس شهرستان گلپایگان به لوازم و وسایل آزمایشگاهی، کارگاهی و الکترونیکی است که عملاً منجر به آن می‌شود که معلمان برای تدریس مفاهیم مورد نظر و عقب‌نیفتادن از جدول زمانی غیر منعطف، مجدداً به همان شیوه سنتی یعنی تدریس سخنرانی و نظری روی آورند. نبود امکانات و تجهیزات در مدارس شهرستان گلپایگان و عدم حمایت اداره آموزش و پرورش منجر به عدم رشد تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان شده است بطوری که بادی دانش‌آموز هر مطلب علمی را در حد مطلب کتاب درسی یاد می‌گیرد و امکان آزمایش و تجربه عینی آن وجود ندارد و این نوع پذیرش مطالب از سوی دانش‌آموزان بسیار سخت و دشوار می‌باشد. در صورتی که ارائه مطالب در کنار تجهیزات آموزشی، باور پذیر تر بوده و نهایتاً منجر به رشد تفکر انتقادی و خلاق خواهد شد. در عین حال، تردیدی وجود ندارد که وسایل و تجهیزات کمک آموزشی در به خاطر آوردن اطلاعات از طریق یک عامل بصری و در جهت عمق بخشیدن به یادگیری، نقش محوری داشته و باید به صورت درهم تنیده، هنگام تدریس معلم در کلاس درس مورد استفاده قرارگیرد. باید بر این نکته تأکید کرد که امکانات و وسایل کمک آموزشی در تغییر نحوه تعامل معلم و دانش‌آموزان، برقراری ارتباط متنوع دیداری، شنیداری و عملی میان آنها، ایجاد یک محیط یادگیری جذاب و سرشار از محرک‌های بصری، هنری و زیبایی‌شناختی و نیز تعمیق و تسریع یادگیری دانش‌آموزان نقش قابل توجهی دارند. در واقع، استفاده از امکانات و تجهیزات کمک آموزشی مختلف در آموزش و یادگیری به معلمان کمک می‌کند که مجموعه‌ای از اطلاعات، نگرش‌ها و مهارت‌های متنوع و جذاب را که زمینه رشد قابلیت‌های تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، به آنان انتقال دهند.

(۴) دانش‌آموزان: چهارمین مانع در راه رشد و پرورش تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران، مربوط به ویژگی‌ها و دغدغه‌های خاص خود دانش‌آموزان می‌باشد. در ذیل این مانع، محدودیت‌ها و مواردی همچون اشتغال و توجه بیش از حد آنها به فضاهای مجازی با توجه به گستردگی و دسترسی آسان به اینترنت و گوشی‌های همراه و



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همچنین بازی‌های کامپیوتری، عدم تمایل دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیت‌های خلاقانه، بی‌انگیزگی عمومی و بی‌حوصله‌گی و بی‌توجهی به ایده‌های خلاق و نوآورانه، ورود سیستم ارزشیابی توصیفی به شیوه نمره دهی کمی، عدم پشتکار و اراده و تلاش اندک دانش‌آموزان، بازیگوشی و توجه به محرک‌های بیرونی و عدم تمرکز آنها ذکر گردیده است. دانش‌آموزان نسل امروزی نسبت به نسل‌های گذشته تفاوت بیشتری در دریافت و تحلیل مطالب کرده‌اند و نیاز است که مطالب و محتوای درسی نیز طبق تغییرات نسلی، تغییر و بروز گردد تا شاهد رشد تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان شویم. از طرفی مطالب کتاب درسی با تجهیزات و امکانات هر منطقه همخوانی نداشته و این خود باعث دلزدگی و بی‌علاقگی در دانش‌آموزان شده است. چه بسا باعث نفرت دانش‌آموزان و احساس سرخوردگی نسبت به بی‌عدالت آموزشی در کشور شود. و این خود مانع بزرگی در رشد تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان می‌باشد.

(۵) زمان: مهمترین محدودیت این بخش همانا کمبود زمان برای تدریس دقیق همه مطالب و فصول کتب درسی مخصوصاً درس علوم و انجام آزمایش‌ها و فعالیت‌های عملی آن، عدم همخوانی محتوای کتب درسی با زمان اختصاص داده شده در برنامه هفتگی، کم شدن ساعت تدریس بعضی از دروس در برنامه هفتگی و زمان اندک برای آموزش مهارت‌های پژوهش‌گری و خلاق به دانش‌آموزان است.

(۶) مشکلات ساختاری (برنامه‌ای): به غیر از موانع ذکرشده، یکی دیگر از تنگناهای موجود در رشد تفکر انتقادی و خلاق در مدارس از دیدگاه پاسخ‌دهندگان مشکلات ساختاری (برنامه‌ای) نظام آموزشی کشور بوده است. از نظر مدیران شرکت‌کننده در این پژوهش مواردی همچون عدم تناسب میان اهداف برنامه‌های درسی، فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و تغییرات پی‌درپی برنامه‌ها، صدور بخشنامه‌های دست‌وپاگیر اداری متعدد و بعضاً متناقض، سنتی عمل کردن نظام آموزشی، بوروکراسی شدید، عدم پیش‌بینی دروس جدید و مرتبط با رشد تفکر انتقادی و خلاق در دوره‌های مختلف تحصیلی، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی، عدم وجود یک نظام هدایت و راهنمایی تحصیلی کارآمد از مهمترین محدودیت‌ها و مشکلاتی است که مدارس و مراکز آموزشی شهرستان گلپایگان با آن مواجه بوده و عملاً باعث بی‌توجهی به رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود.

(۷) روش‌های ارزشیابی: ارزشیابی‌های نمره محور (کمیت‌گرا)، تأکید بر نمرات امتحانی پایانی، امتحانات حافظه‌پرور و تعداد زیاد آنها، عدم توجه به شیوه‌های ارزشیابی خلاقیت مدار، ایجاد چشم و هم‌چشمی و تشدید رقابت‌های ناسالم میان دانش‌آموزان به خاطر نتایج آزمون‌ها (نمره) از مهمترین محدودیت‌های مرتبط با ارزشیابی است که از نظر مدیران شرکت‌کننده با اقتضائات رشد تفکر انتقادی و خلاق همخوانی ندارد. واقعیت آن است فعالیت‌های ارزشیابی سنتی به دلیل تأکید بیش از حد بر یادگیری‌های حفظی و کلیشه‌ای منطبق با متن کتاب درسی و ارائه پاسخ‌های مورد نظر معلم، مانع بروز تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان می‌شود. زیرا چنین جهت‌گیری‌هایی اصولاً فاقد هرگونه بداعت و تازگی بوده و زمینه رشد و پویایی ذهنی یادگیرندگان را فراهم نمی‌کند. از این منظر، بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که اصولاً تأکید زیاد بر نمره به عنوان ملاک ارتقای یادگیری، توجه به ارزشیابی تحصیلی مبتنی بر معلم محوری، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، عدم پذیرش ایده‌های جدید، دامن زدن به رقابت‌های مخرب، وضع مقررات خشک و دست‌وپاگیر و انتقادهای مکرر از رفتارهای دانش‌آموزان از رشد تفکر انتقادی و خلاق فراگیران جلوگیری می‌کند. با بررسی و نقد شیوه‌های ارزشیابی سنتی که نوعاً نتایج نهایی یادگیری دانش‌آموزان در قالب نمره را مورد توجه قرار می‌دهند، نقش منفی این شیوه‌ها را به عنوان یکی از موانع اصلی رشد تفکر انتقادی و خلاق





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مورد تاکید قرار می دهند. در واقع، فرض بر این است که ارزشیابی واقعی، دانش‌آموزان را توانمند نموده و زمینه رشد تفکر واگرا را در آنها به وجود می آورد. زیرا این نوع ارزشیابی مستلزم بررسی موقعیت‌های از پیش تعیین نشده و ارائه راه‌حل‌های متعددی برای رسیدن به جواب است. ارزشیابی واقعی، روشی مناسب برای شکوفایی و پرورش تفکر انتقادی و خلاق افراد می باشد.

۸) فضای آموزشی: از دیدگاه پاسخ‌دهندگان یکی دیگر از موانع خلاقیت در مدارس شهرستان گلپایگان محدودیت‌های ناشی از کمبود فضاهای آموزشی مناسب و دارای استانداردهای کیفی است. شلوغی و تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس‌های درس، فقدان ویا کمبود مکان‌های آموزشی دیگر از جمله سایت کامپیوتر و آزمایشگاه از جمله این موانع است. از طرفی وجود مکان‌های آموزشی غیر انتفاعی و خصوصی با امکانات و تجهیزات بروز منجر به ایجاد تبعیض آموزشی در بین مدارس دولتی شده و دانش‌آموزان با مقایسه کردن دچار بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی تحصیلی و دزدگی خواهند شد که این موارد مانعی برای رشد تفکر انتقادی و خلاق می باشد.

۹) خانواده: بی‌توجهی خانواده‌ها به امور درسی و آموزشی فرزندان خود و نیز نحوه گذراندن اوقات فراغت توسط آنان (که باعث سرگرم شدن آنها با موبایل و شبکه‌های اجتماعی شده که بصورت رها شده و بدون هیچ نظارتی در نحوه استفاده آنها از این شبکه‌های اجتماعی شده است)، کم‌کاری و عدم همکاری والدین با مدارس در حوزه‌های آموزشی و درسی، اقتصاد ضعیف خانواده‌ها و مشکلات مالی آنها با توجه به شرایط بد اقتصادی جامعه که موجب عدم توجه و نظارت کافی بر عملکرد درسی فرزندان شان می‌شود، همچنین اختلافات خانوادگی (بین والدین) و نمره محور بودن آنها نیز در زمره محدودیت‌هایی است که خانواده‌ها با آن مواجه بوده که خود باعث بی‌توجهی آنان به رشد تفکر انتقادی و خلاق فرزندان خود می‌شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

نظام آموزش و پرورش هر جامعه‌ای، وظیفه پرورش تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان را بر عهده دارد و مسئولیت آن این است که دانش‌آموزان را آماده نماید تا خود فکر کنند و با توجه به جوانب مسئله، بهترین پاسخ را بدست آورده و رفتار خود را با نتایج تفکر خویش انطباق دهند. جهان امروز متغیر و پیچیده است و زندگی در این جهان بدون کاربرد نیروی تفکر محال می‌باشد. افزون بر این رشد اطلاعات و گسترش رسانه‌های اطلاع‌رسانی و آموزشی در قرن حاضر منجر به تردید و مشکل تصمیم‌گیری شده است که وجود چنین شرایطی در قرن بیست و یکم، ضرورت تحلیل سریع از اطلاعات دریافتی و تصمیم‌گیری در مورد آنها جهت انطباق بهتر را باعث می‌شود. بنابراین پیچیدگی‌های عصر حاضر، نیاز شدیدی را به عقلانیت انسان ایجاد کرده است. در چنین عصری بی‌توجهی به یادگیرنده در زمینه پرورش توانایی فکری، خلق ترکیب‌های نوین و بدیع، پردازش اطلاعات و نقد و بررسی آنها، مسئله اساسی نظام‌های آموزشی خواهد بود.

در ایران اندیشمندان بزرگ و دلسوزان صحنه تعلیم و تربیت سال‌هاست که آهنگ هشدار درباره ضرورت توجه به پرورش تفکر و تفکر انتقادی و خلاق در برنامه‌های درسی را به صدا در آورده و به اهمیت پرورش تفکر انتقادی و خلاق اشاره نموده و بیان می‌دارند که مطالعه وضع شاگردان در مقاطع مختلف تحصیلی بیانگر این واقعیت است که تعلیمات آموزشی برای دانش‌آموزان توانایی ارزیابی نظریات، اصول و قوانین را در ذهن آنها ایجاد نمی‌کند

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادات زیر در راستای رشد تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان، به معلمان، مدیران مدارس و همچنین دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش توصیه می‌شود:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱. پیشنهاد می‌شود که در تنظیم محتوای کتب جدید، تمرکز بیشتری بر مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با تفکر انتقادی و خلاق دانش آموزان، تحلیل مسائل، مفهوم سازی و فعالیت‌های ذهنی توسط آنان شود و دانش‌آموزان به جستجو و کاوشگری بیشتر، هدایت و سوق داده شوند، محدودیت زمانی برای اتمام تدریس صرف محتوای کتب وجود نداشته باشد؛ محتوای کتاب درسی بر مبنای تأکید بر یادگیری عملی در مقابل محفوظات بازنویسی شود و درسی به نام تفکر انتقادی و خلاقیت‌های فردی در بین دروس مصوب شود.
۲. در زمینه روش تدریس، بهره‌مندی از معلمان خلاق، برگزاری دوره‌های آموزشی و جلسات هم‌اندیشی جهت تقویت و آشنایی با تفکر انتقادی و خلاق، بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه در تدریس، تمرکز بیشتر معلمان بر انجام کارهای عملی، پژوهش و ساخت وسایل در زمینه محتوای آموزشی توسط دانش‌آموزان و تشویق دانش‌آموزان در این راستا، پیشنهاد می‌شود.
۳. پیشنهاد می‌شود که مسئولین در حوزه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش زمینه جایگزینی کامل روش‌های ارزشیابی سنتی با روش‌های ارزشیابی مدرن را فراهم نمایند، چرا که یکی از بازدارنده‌های خلاقیت در دانش‌آموزان، روش‌های ارزشیابی سنتی و مبتنی بر پاسخ‌های صحیح و غلط است، در مقابل روش‌های ارزشیابی جایگزین می‌تواند زمینه انگیزش و تفکر انتقادی و خلاق بیشتری را در دانش‌آموزان فراهم نماید. بهره‌گیری از روش‌هایی که در ارزشیابی بر نوآوری‌ها به جای محفوظات تأکید نماید؛ بر فرایند یادگیری و نه بر نمره نهایی تأکید نماید؛ به دنبال رفع ابهامات و کج‌فهمی‌های دانش‌آموزان باشد؛ با مشارکت معلم و دانش‌آموز انجام پذیرد و مهارت تولید و ساخت محصول توسط دانش‌آموز را مورد تأکید قرار دهد. تا باعث رشد تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان شود.
۴. در زمینه امکانات و تجهیزات، تجهیز کتابخانه‌ها و ارائه امکانات آموزشی، کمک آموزشی (اعم از وسایل آزمایشگاهی و غیرآزمایشگاهی) به مدارس و ترغیب دبیران و دانش‌آموزان به استفاده از این امکانات، گسترش فضای تحقیق و پژوهش و برگزاری اردوهای علمی و تحقیقاتی به خصوص برای درس علوم که امکان مشاهده مستقیم و فهم آسان مطالب را برای دانش‌آموزان افزایش می‌دهد پیشنهاد می‌شود.
۵. تمرکززدایی ساختار نظام آموزشی و دادن آزادی عمل به معلمان در آموزش، مشارکت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، داشتن آزادی عمل برای برگزاری محیط و فضای خلاق آموزشی، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، توجه به ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای هر شهر و استان و عدم توجه به ساختارهای سلسله‌مراتبی در تصمیم‌گیری‌ها، مهمترین پیشنهادات در زمینه ساختار سازمانی است.
۶. در زمینه الگوهای ارتباطی، مدیران مدارس می‌توانند با ایجاد جوی باز، همدلانه و قابل اعتماد که زمینه مشارکت معلمان را فراهم می‌نماید، ضمن تقویت خلاقیات معلمان، آنان را تشویق نمایند تا با استفاده از پتانسیل مدارس، برنامه‌های لازم را در راستای بروز تفکر انتقادی و خلاق بیشتر دانش‌آموزان طرح‌ریزی نمایند. همچنین معلمان از طریق برقراری روابط صمیمانه، همدلی و درک تفاوت‌های دانش‌آموزان با یکدیگر و به صورت خاص، برقراری روابط عاطفی با دانش‌آموزان، جو مساعدی را در کلاس ایجاد نمایند و بدین وسیله زمینه ابراز دیدگاه‌ها، عقاید و نظرات متفاوت دانش‌آموزان را فراهم نمایند که در نتیجه آن زمینه بروز تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان فراهم می‌شود.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- امینی، محمد، رحیمی، حمید، و منتظر، مرجان (۱۳۹۷). آسیب شناسی رشد خلاقیت دانش آموزان در نظام آموزشی ایران (مورد مطالعه: مدارس دوره متوسط اول کاشان)، نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره نهم، شماره یک، تابستان ۹۸، ص ۸۱-۱۱۴.
- شرکائی، محسن (۱۴۰۰). شناسایی موانع رشد تفکر آفریننده در دانش آموزان مدارس ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران شهرستان همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز همدان
- شریفی، ص؛ سیف نراقی، م؛ نادری، ع و احقر، ق (۱۳۹۷). جایگاه تفکر انتقادی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. مجله پژوهش در نظام های آموزشی، ویژه نامه.
- صادقی مال امیری، منصور (۱۳۹۴). تئوری سیستمی خلاقیت در سازمان، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴ (۴)، ۲۰۷-۱۶۳.
- قتبریان قلندر، پ؛ زبردست، م و بلندهمتان، ک (۱۳۹۹). واکاوی پیامدها، چالش ها و استراتژی های، مدیریت کلاس درس مبتنی بر پرورش تفکر انتقادی. مجله تدریس پژوهی، دوره ۸، شماره ۱، ص ۱۰۱-۱۸۰.
- مجیدیان فرد، م؛ محمدی مهر، م و نجیمی، م (۱۳۹۷). بررسی رابطه ساختاری (تدوین مدل) تفکر انتقادی بر اساس سبک های یادگیری و نقش میانجی فراشناخت. فصلنامه روانشناسی تربیتی، دوره ۱۴، شماره ۵۰، ص ۱۵۵-۱۶۹.
- مراد ویسی، جهانگیر (۱۴۰۰). واکاوی موانع تحقق تفکر انتقادی در گستره ی تعلیم و تربیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز سنندج.
- مسعودیان، پ؛ دوابی، م؛ انصاریان، ف و خسروی، الف (۱۳۹۷). تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر اساس نظریه ساختن گرایی ویگوتسکی بر میزان تفکر انتقادی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱۱، شماره ۳، ص ۱۲۴-۱۳۱
- مصری، ح؛ اسلامی، الف و آفانی، ک (۱۳۹۸). بررسی جایگاه تفکر انتقادی در ادبیات داستانی کتاب های درسی بخوانیم دوره ابتدایی. مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۱۶، شماره ۲، ص ۱۰۸-۱۲۱.
- مهدوی، الف؛ احمدی، پ و نراقیزاده، الف (۱۳۹۷). شناخت مربیان پیش دبستانی از مهارت تفکر انتقادی. مجله اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۸۳-۱۰۶.
- میرسندسی، س (۱۳۹۸). کمیابی تفکر انتقادی در پیشینه فرهنگی ایران. مجله پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، دوره ۱۹، شماره ۱۰، ص ۲۷۴-۲۵۵.
- Peng, J., Chen, Y., Xia, Y., & Ran, Y. (۲۰۱۷). Workplace loneliness, leader-member exchange and creativity: The cross-level moderating role of leader compassion. *Personality and Individual Differences*, ۱۰۴: ۵۱۰-۵۱۵.
- Soh, K. (۲۰۱۷). Fostering student creativity through teacher behaviors. *Thinking Skills and Creativity*, ۲۳: ۵۸-۶۶.